

دانشگاه فرهنگیان
فصلنامه علمی تخصصی
پژوهش در آموزش مطالعات اجتماعی
دوره چهارم، شماره اول، بهار ۱۴۰۱

نقش دسترسی به امکانات آموزشی بر بهبود پایگاه اجتماعی- اقتصادی افراد (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه‌های استان تهران)

ارسال: ۱۴۰۰/۸/۶ بهنام لطفی خاچکی^۱
پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۲

چکیده

ورود افراد به رشته‌های سطح بالا در دانشگاه، آینده شغلی و به‌نوعی پایگاه اجتماعی- اقتصادی آینده آن‌ها را رقم‌زده و این امر باعث حفظ و بازتولید سطح طبقاتی آنان می‌گردد. این تحقیق به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا سطح طبقاتی خانواده افراد و درواقع پایگاه اجتماعی- اقتصادی آنان باعث می‌گردد که این افراد از امکانات آموزشی بیشتر و بهتری در دوران دانش‌آموزی استفاده نمایند و به‌واسطه استفاده از همین امکانات بتوانند در دانشگاه به رشته‌های تحصیلی سطح بالاتر و با امنیت اقتصادی بیشتر وارد شوند. سؤال اصلی این تحقیق این است که آیا پایگاه اجتماعی- اقتصادی افراد بر میزان استفاده آن‌ها از امکانات آموزشی- نظیر کتاب‌های کمک‌درسی، کلاس‌های تقویتی، دوره‌های آمادگی کنکور، ابزارهای یادگیری، معلم خصوصی- تأثیر می‌گذارد و این امر این امکان را به آن‌ها می‌دهد که در رشته‌های تحصیلی بهتری قبول شوند. این تحقیق با روش پیمایشی و به کمک ابزار پرسشنامه صورت گرفت. پرسشنامه‌های محقق ساخته با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و انتخاب ۲۰۰ نمونه در چند دانشگاه مهم در استان تهران توزیع و تکمیل شد. این تحقیق نشان می‌دهد که رابطه مستقیمی بین سطح طبقاتی دانش‌آموزان و میزان بهره‌گیری آنان از

امکانات آموزشی از یک سو و از سوی دیگر بین میزان استفاده از امکانات آموزشی و نوع و سطح رشته تحصیلی انتخاب شده در دانشگاه وجود دارد. نتایج تحقیق گویای این موضوع است که افراد متعلق به اقشار بالای جامعه از امکانات آموزشی بهتر و بیشتری استفاده نموده و وارد رشته‌های تحصیلی سطح بالاتری می‌شوند و در مقابل افراد سطح پایین از نظر طبقاتی به رشته‌های سطح پایین روی می‌آورند.

کلیدواژه: طبقه اجتماعی، پایگاه اجتماعی- اقتصادی، امکانات آموزشی، دانشجو، رشته تحصیلی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه و بیان مسئله

هر فردی بعد از تولد جریان اجتماعی شدن را آغاز می‌کند. اولین واحدی که در این جریان نقش اصلی را بازی می‌کند خانواده است؛ اما به تدریج از اهمیت این واحد در امر اجتماعی کردن کاسته شده و نهاد دیگری بخش عمده این وظیفه خطیر را بر عهده می‌گیرد که نهاد آموزش و پرورش است. این نهاد در نقاط مختلف غالباً به دنبال ایجاد فرصت‌های برابر برای اقشار مختلف یک جامعه جهت تحصیل علم و کسب مهارت‌های لازم است. برتری هر فرد در این نظام باید مطابق با تلاش، توانایی و پشتکار وی باشد. اینکه این نهاد در تحقق بخشیدن این مهم تا چه حد موفق بوده، موضوعی است که باید مورد مذاقه قرار گیرد.

تحصیلات تنها یک شایستگی ذهنی برای افراد نیست، بلکه یک وسیله مفید و مهم برای برجسته ساختن موقعیت‌ها است. آموزش و پرورش دستیابی به پاداش‌های بیشتر شغلی و موقعیت رهبری در جامعه را به افراد اهدا نموده شرایط بهتری را برای آن‌ها فراهم می‌سازد (اندرسون^۱، ۲۰۰۷: ۵۹۵). یکی از کارکردهای اصلی این نهاد، پرورش نیروهایی جهت تصدی مشاغل موجود در جامعه می‌باشد. مدرسه و دانشگاه دو بخش و در واقع دو مرحله برای تربیت اعضای یک جامعه می‌باشند. در مدرسه افراد قدرت انتخاب زیادی ندارند و باید یک روند نسبتاً ثابت و یکسان را طی کنند؛ اما در دانشگاه هرکس با توجه به علاقه و توانایی‌اش مسیر متفاوتی را انتخاب می‌نماید. انتخاب این مسیر همیشه و به‌طور کامل در اختیار فرد نیست و عوامل و شرایط گوناگون بر آن اثر می‌گذارد. یکی از این عوامل پراهمیت، جایگاه طبقاتی فرد است که خود در رابطه با ابعاد مختلف سنجیده می‌شود. این مسیر مشخص، آینده شغلی فرد و جایگاه طبقاتی آتی وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

هدف برابری گرایانه انسانی، ایجاد یک جامعه است که همه اعضای آن در روابط با دیگری در نهادهای عمده یک جامعه مدنی به‌خصوص در شغل برابر باشند. اهمیت

1. Anderson

این موضوع از همین جا آشکار می‌گردد. اینکه آیا دو نفر با استعداد و تلاش یکسان که متعلق به دو جایگاه طبقاتی متفاوت هستند، فرصت برابری در انتخاب مسیر تحصیلی و آینده شغلی خویش خواهند داشت یا خیر، سؤالی است که این مقاله قصد پاسخگویی به آن را دارد.

یکی از شرایط زمینه‌ای مهم که در موفقیت و شکست تحصیلی افراد نقش دارد، خانواده است (قنبرپور، فرحبخش و اسمعیلی، ۱۳۹۱؛ تورکام^۱ و همکاران، ۲۰۰۵). حمایت خانواده‌ها هم به صورت مستقیم و از طریق در اختیار قرار دادن امکانات آموزشی مطلوب و هم به طور غیرمستقیم از طریق حمایت عاطفی پیشرفت و موفقیت تحصیلی تأثیر می‌گذارند (ایگلسیا^۲ و همکاران، ۲۰۱۴)؛ بنابراین پایگاه طبقاتی خانواده می‌تواند متغیر مؤثری بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان باشد.

تربیت کودک و نوجوان بر عهده خانواده، جامعه و دولت است. فرد در خانواده متولد می‌شود و بعد از اینکه سنین ابتدایی زندگی خود را گذراند وارد سیستم آموزشی می‌شود. این سیستم فرد را تحت تعلیم و آموزش قرار می‌دهد و آمادگی لازم را در او ایجاد می‌کند تا بتواند بعد از پایان تحصیلات، جایگاهی را در جامعه خویش اخذ نماید. این سیستم آموزشی از همان ابتدا برای گروه‌های طبقاتی مختلف امکانات متفاوتی را فراهم می‌سازد. این بدان معنی نیست که خانواده‌ای که سطح طبقاتی بالایی دارد فرزند خویش را به مدارس می‌فرستد که از امکانات آموزشی بهتر و بیشتری برخوردار است، بلکه این تفاوت طبقاتی امکان برخورداری از امکانات آموزشی مطلوب‌تر را برای سطوح بالای طبقاتی فراهم می‌سازد. بنابراین خانواده‌هایی که از نظر طبقاتی سطح بالایی دارند، می‌توانند از طریق خرید مجوز ورود به مدارس بهتر یا خرید کمک برای تحصیل، نظیر معلم خصوصی یا کتاب‌های اضافی، موفقیت آموزشی را خریداری نمایند (بورديو و پیرسون، ۱۹۹۰).

-
1. Turkum
 2. Iglesia

فراگیران اعم از دانش‌آموز و دانشجو را باید به‌عنوان عامل انسانی موردبررسی و تحلیل قرار داد؛ اما نباید فراموش کرد که دانش‌آموز به‌عنوان عضوی از خانواده، جامعه و مدرسه ممکن است به منابع و حمایت‌های متفاوتی دسترسی داشته باشد که در موفقیت تحصیلی او مؤثر خواهد بود (براتی، ۱۴۰۰). بخش مهمی از این منابع، همان امکانات آموزشی است که عمدتاً از طریق خانواده دانش‌آموزان قرار می‌گیرد.

امکانات آموزشی و فرصت‌های یادگیری، صرفاً مکان تحصیل و ساختمان‌های مدارس آموزشی دولتی و خصوصی، میز و صندلی، کامپیوتر و فضای مناسب آموزشی نیست که بتوان با توزیع منصفانه آن عدالت آموزشی را اجرا کرد. بلکه تأمین بیشتر هزینه‌های آموزشی مناطق کم‌برخوردار و مهم‌تر از آن، فرصت یادگیری و منابع انسانی است که باید توسط دولت به انجام برسد (رضازاده، ۱۳۹۷: ۱۵). اینکه در جامعه چنین برابری به شکل کامل محقق شده است یا خیر، پرسشی است که تحقیق حاضر از جهاتی به دنبال یافتن پاسخی برای آن است.

نابرابری در شانس ورود به مدارس خصوصی هنوز هم شرایط نابرابری آموزشی جامعه را بیان می‌کند. یک فرد که در طبقه پایین جای دارد این موضوع را درک می‌کند که نمی‌تواند همچون یک شخص طبقه بالا از امکانات آموزشی برخوردار باشد. تصور تحصیلات موفق، عالی و بالا به‌وسیله طبقات بالا پذیرفته شده، زیرا که بودجه برای برنامه‌ریزی همچون بلیطی برای تحصیلات بالاست (بوردیو و پیرسون، ۱۹۹۰: ۲۲۸).

تأثیر طبقه اجتماعی، نابرابری‌های اجتماعی و اختلاف‌های طبقاتی بر بسیاری از مقوله‌ها از جمله عملکرد و موفقیت تحصیلی، بیشتر به‌واسطه متغیرهای میانجی و واسطه‌ای محقق می‌شود (جلالی، ۱۳۸۶: ۱۶). وقتی فردی وارد رشته تحصیلی خاصی می‌گردد، درواقع آینده شغلی خویش، حیثیت و اعتبار اجتماعی خود و درنتیجه درآمدش را به‌نوعی تعیین نموده است و اگر عدم بهره‌گیری مطلوب از امکانات آموزشی

بر رشته تحصیلی وی اثرگذار باشد و باعث گردد که او وارد رشته‌های سطح پایین از نظر اعتبار اجتماعی و امنیت اقتصادی شود و اگر این بهره‌گیری نامطلوب از امکانات اجتماعی، ناشی از قرار گرفتن در سطوح پایین طبقاتی باشد، می‌توان نتیجه گرفت، فردی که از یک طبقه پایین وارد نظام آموزشی گردد، در آینده نیز در همین سطح جای خواهد گرفت و این امر با رسالت یک سیستم آموزشی مبنی بر ایجاد تحرک اجتماعی و شایسته‌گرایی در تضاد خواهد بود.

در این حالت افراد بنا بر موقعیت خود در قشر بندی اجتماعی جامعه، از مزایای اجتماعی متفاوتی استفاده می‌کنند و پس از خاتمه تحصیلات مدرسه‌ای به مشاغل برخوردار از اعتبار و منزلت اجتماعی متفاوتی سوق داده می‌شوند (علاقه‌بند، ۱۳۸۹: ۱۴۷). بهره‌گیری از امکانات آموزشی قبل از ورود به دانشگاه، خود می‌تواند حاصل سرمایه فرهنگی اندوخته شده در خانواده دانشجو باشد.

مطالعات متعدد حاکی از این است که در جامعه عده زیادی از افراد وجود دارند که علی‌رغم داشتن استعداد و توانایی تحصیل در رشته‌های فنی، حرفه‌ای و تخصصی، تنها به صرف کمبود امکانات مالی و آموزشی نتوانسته‌اند در رشته‌های موردعلاقه خود تحصیل نمایند. (اکبری پور، ۱۳۷۸: ۴۰). ضرورت بررسی این موضوع از آنجا آغاز می‌گردد که اگر بپذیریم افراد سطح بالا از نظر طبقاتی بتوانند از امکانات آموزشی مطلوبی استفاده نمایند و افراد سطح پایین از آن محروم بمانند، رسالت اصلی نظام آموزشی که همانا ایجاد فرصت برابر برای تمام اقشار جامعه است، به انجام نخواهد رسید (محمدی، ۱۳۷۴: ۲).

از آنجاکه بین آموزش رسمی و محرومیت اجتماعی رابطه وجود دارد (تاج‌الدین، ۱۳۸۲) بنابراین اگر با قرارگرفتن فرد در سیستم آموزشی به‌نوعی پایگاه اجتماعی گذشته‌اش که در خانواده‌ای که متولد شده دارا بوده است بازتولید شود، امکان تحرک اجتماعی که یکی از اهداف هر نظام آموزشی می‌باشد، از وی سلب خواهد گردید.

در ادامه پیشینه تجربی و برخی تحقیقات مرتبط، مورد اشاره قرار می‌گیرد. یافته‌های تحقیق براتی نشان می‌دهد تعلق و اختصاص به طبقه بالا، متوسط و پایین، تمایزی در برخورداری از فرصت‌ها و امکانات آموزشی به وجود می‌آورد. برخورداری طبقه بالا از فرصت‌های آموزشی به‌ویژه بهره‌گیری از مدارس خصوصی کاملاً محسوس است. درحالی‌که طبقات پایین از دستیابی به فرصت‌های آموزشی کاملاً محروم هستند.

رضازاده (۱۳۹۷) در پژوهش خود نشان داده است خصوصی‌سازی مدارس به‌جای اینکه پاسخگوی نیازهای جامعه برای کسب علم باشد، باعث نابرابری و بی‌عدالتی آموزشی شده است؛ چراکه محرومیت اقشار کم‌درآمد از دستیابی به این‌گونه مدارس، به دلیل عدم توانایی در تأمین شهریه‌های آن، باعث نقض عدالت آموزشی و اصول قانون اساسی در رفع تبعیضات ناروا گردیده است. همچنین نریمانی و میری (۱۳۹۶) در تحقیق خود نشان داده‌اند که سازه موفقیت تحصیلی به‌عنوان مقوله اصلی مبتنی بر مؤلفه دستیابی به اهداف است. طبق این پژوهش از عوامل اثرگذار بر موفقیت تحصیلی در کنار مواردی چون خودباوری، هوش تحصیلی و پشتکار می‌توان از حمایت خانوادگی و بهره‌گیری از امکانات آموزشی به‌عنوان شرایط زمینه‌ای تأثیرگذار بر موفقیت تحصیلی نام برد.

جلالی (۱۳۸۶) در تحقیق خود تأثیر طبقه اجتماعی و نابرابری‌های طبقاتی بر پیشرفت و موفقیت تحصیلی را مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که تعلق و اختصاص به طبقات اقتصادی و اجتماعی بالا و متوسط و پایین، تمایزاتی را در برخورداری‌ها و محرومیت‌ها از فرصت‌ها و امکانات آموزشی می‌آفریند که امکان تثبیت و تحکیم پایگاه و منزلت اجتماعی برای طبقه بالا، تغییر و تحرک اجتماعی به پایگاه و منزلتی برتر برای طبقه متوسط و نومییدی در تغییر وضعیت و موقعیت برای طبقه محروم را زمینه‌سازی می‌کند. طبق یافته‌های این پژوهش طبقات بالای جامعه امکان بهره‌گیری بسیار بیشتری از امکانات و فرصت‌های آموزشی و تسهیلات تکنولوژی

آموزشی داشته و این عامل مهمی در برخورداری از فرصت‌های شغلی است. همچنین با توجه به فراهم‌سازی آمادگی‌های لازم برای شرکت در آزمون رقابتی کنکور و راه‌یابی به دانشگاه، تأثیر طبقه اجتماعی در پیشرفت تحصیلی و کسب فرصت بالاتر و بهتر آموزشی واضح است.

تحقیقات خارجی مختلف نیز نشان می‌دهد از بین عوامل محیطی مؤثر بر موفقیت تحصیلی، حمایت خانوادگی نقش مهمی در آمادگی دانش‌آموزان در طی موفقیت‌آمیز مسیر آموزش دارد (دنیز، فینی و چوتکوا، ۲۰۰۵؛ هووارث و فیشر، ۱۳۸۸؛ سندرز، ۲۰۰۸ به نقل از ابوالحسنی، ۱۳۸۹؛ یاراحمدی و مرادی، ۱۳۹۱). درواقع خانواده‌ها از طریق در اختیار قرار دادن امکانات آموزشی مناسب، می‌توانند زمینه را برای موفقیت دانش‌آموزان در کنکور و ورود به رشته‌های تحصیلی دلخواه و پرطرفدار فراهم نمایند.

در دهه ۱۹۲۰ لایندها از اولین کسانی بود که ارتباط میان طبقه اجتماعی و موفقیت تحصیلی را موردبررسی قرار دادند. این مطالعه و مطالعات دیگر نشان دادند که عملکرد تحصیلی به میزان زیادی با طبقه اجتماعی همبستگی دارد و احتمال ورود دانش‌آموزان طبقات پایین به مدارس، حتی در صورت داشتن استعداد درخشان، کمتر از دانش‌آموزان طبقات متوسط و بالا است (بالانتین، ۱۹۶۹). در یک مطالعه اساسی دیگر که توسط ویلیام سول انجام شد، وی سرنوشت برخی از دانش‌آموزان را که به‌طور تصادفی انتخاب شده بودند به مدت ۱۴ سال پیگیری کرد. او افراد نمونه را بر اساس پایگاه اجتماعی - اقتصادی به چهار گروه تقسیم کرد و نتیجه گرفت که دانش‌آموزان پایگاه بالا چهار برابر دانش‌آموزان طبقه پایین وارد دانشگاه شده، شش برابر فارغ‌التحصیل گشته و نه برابر بیشتر از آموزش تخصصی و حرفه‌ای برخوردار بوده‌اند.

در سال ۱۹۸۲ تحقیق کلمن و همکارانش نشان داد که ورود به مدارس غیرانتفاعی و بهره‌گیری از امکانات آموزشی خوبی که این مدارس در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهند، تأثیر بسزایی در موفقیت تحصیلی آن‌ها دارد. مطالعات کلمن همچنین نشان داد طبقه اجتماعی مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان شناخته شده است (رفعت‌جاه، ۱۳۷۶: ۲۱). برخی مطالعات دیگر نیز وضعیت طبقاتی خانواده را به‌عنوان عامل مسلط در پیشرفت تحصیلی فرزندان نشان داده‌اند.

در اواخر دهه هفتاد قرن بیستم، پل ویلیس یک مطالعه میدانی در یکی از مدارس بیرمنگام انجام داد تا بفهمد بازتولید فرهنگی چگونه رخ می‌دهد. پژوهش وی نشان داد که کودکان طبقات پایین‌تر یا گروه‌های اقلیت در جریان تحصیل متوجه می‌شوند که آن‌قدرها تیزهوش نیستند که توقع مشاغل پردرآمد یا پرمنزلت را در زندگی خود داشته باشند. به‌عبارت‌دیگر تجربه ناکامی تحصیلی به آن‌ها می‌آموزد که محدودیت‌های ذهنی خود را تشخیص دهند و با پذیرش این نقص و کاستی به مشاغلی روی‌آورند که دورنمای پیشرفت چندانی ندارد (گیدنز، ۱۳۹۸: ۷۴۳). موضوعی که منجر با بازتولید جایگاه طبقاتی آن‌ها می‌شود.

پژوهش دیگری که توسط ا.ا.ج. هالسی و همکارانش در سال ۱۹۸۰ انجام شده است، نشان داد پسری که از طبقه کارمندان بخش خدمات بود - افرادی که دارای زمینه اجتماعی و شغلی حرفه‌ای و مدیریتی هستند - در دوره بعد از جنگ، ده برابر پسری که از طبقه کارگر بود احتمال داشت که در سن هجده‌سالگی در مدرسه باشد و یازده برابر احتمال داشت که به دانشگاه برود. این یعنی خاستگاه طبقاتی دانش‌آموز که یکی از شاخصه‌های اصلی آن شغل والدین می‌باشد، بر موفقیت تحصیلی وی تأثیر بسزایی دارد.

طبق مجموع مباحث فوق پرسش پایه‌ای پژوهش حاضر این است که آیا پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد بر میزان استفاده آن‌ها از امکانات آموزشی - نظیر کتاب‌های کمک‌درسی، کلاس‌های تقویتی، دوره‌های آمادگی کنکور، ابزارهای یادگیری، معلم خصوصی - تأثیر می‌گذارد و این امر این امکان را به آن‌ها می‌دهد که در رشته‌های تحصیلی بهتر و با امنیت اقتصادی بالاتری قبول شوند؟

مبانی نظری

قشربندی اجتماعی نوع ویژه‌ای از تفکیک اجتماعی است که در آن سلسله‌مراتب منظم موقعیت‌های اجتماعی حائز اهمیت است و احراز کنندگان موقعیت‌ها در مقایسه با یکدیگر در سه مرتبه قرار دارند: مرتبه برتر، مرتبه برابر و مرتبه فروتر (تامین، ۱۳۷۳: ۲۶). طبقه اجتماعی بخشی از مردم در جامعه است که پیشینه‌ای مشابه از لحاظ ثروت، قدرت و وجهه اجتماعی دارند. اشخاص و گروه‌هایی که یک طبقه اجتماعی خاصی را به وجود می‌آورند، در ارتباط با ارزش‌ها، نگرش‌ها، رفتارها و خلیقات، وجوه مشترکی دارند. الگو و شیوه خاص زندگی، آن‌ها را از اعضای سایر طبقات اجتماعی متمایز می‌سازد (علاقه‌بند، ۱۳۸۹: ۱۴۸) در واقع در جوامع طبقاتی، انسان‌های دارای امکانات مادی، فرصت‌های رشد و پیشرفت را در اختیار می‌گیرند و موجبات تضعیف رشد سایر انسان‌های فاقد تمکن مادی را فراهم می‌سازند (عسگریان، ۱۳۶۸، ۲۵).

مطالعاتی که پیرامون آموزش و نابرابری انجام شده است، اکثراً بر طبقاتی بودن آموزش از ایام قدیم تاکنون صحنه گذاشته است و باوجود تغییراتی در روند آن از قدیم تا امروز، بازهم در عمل توانمندی اقتصادی سبب نابرابری آموزشی بوده است (باقری، ۱۳۷۶: ۳۱). مثلاً در امپراتوری چین باستان موفقیت در سراسر زمان وابسته به منابع مالی بود که لازم بود برای تحصیلات طولانی مدت پسران جوان باهوش پرداخت شود. آمدن از یک خانواده ذاتاً قوی دارای فضل و کمال و اعتبار مأموران دولتی به‌طور ذاتی برتری موضعی برای آینده اجتماعی و دستاوردهای سیاسی داشت (المان^۱، ۱۹۹۱: ۲۰).

یکی از معیارهای گذر از مجموعه نابرابری‌های اجتماعی حرکت به سوی برابری آموزشی است؛ اما شواهد نشان می‌دهد این فرایند به علل گوناگون رخ نداده و همچنان در فرایند نابرابری آموزشی قرار داریم و حتی تشدید هم شده است. این نابرابری موجب می‌شود که در آینده شاهد تشدید و بازتولید نابرابری‌های دیگر باشیم (عبدی، ۱۳۹۵). موفقیت و پیشرفت در مدرسه تبدیل به یکی از مؤلفه‌های برتری در زندگی شده است و در این میان پول و سرمایه نقشی اساسی ایفا می‌کند، این حقیقتی غیرقابل انکار است. همین سرمایه امکان دستیابی به فرصت‌های آموزشی بهتر را در اختیار دانش‌آموزان متعلق به طبقات بالای جامعه قرار می‌دهد.

به بیان صریح‌تر افرادی که به افشار گوناگون اجتماعی تعلق دارند، فرصت برابری جهت استفاده از امکانات آموزشی موجود در جامعه نخواهند داشت و همین امر سبب می‌گردد که تحرک اجتماعی آن‌ها در آینده دچار مشکل شود. آنان در همان طبقه‌ای که در آن به دنیا آمدند باقی خواهند ماند و این امر نوعی بازتولید طبقاتی ناشی از نابرابری در بهره‌گیری از امکانات آموزشی را به دنبال خواهد داشت.

آموزش به‌عنوان یک نهاد اجتماعی رابطه تنگاتنگی با قشربندی اجتماعی دارد، به‌طوری‌که ضمن تأثیر پذیرفتن از قشربندی اجتماعی به جهت اینکه در ایجاد منزلت‌های جدید مؤثر است، می‌تواند متقابلاً بر روی قشربندی تأثیر بگذارد (محمدی، ۱۳۷۴: ۲). سرنوشت نزدیک به یک‌سوم جمعیت کشور برای بروز قابلیت‌ها و برخوردار از زندگی سعادت‌مندانه در گرو عملکرد مدارس است. کودک و نوجوان در این سنین از محیط خانواده خارج می‌شود و به‌طور رسمی دانش‌آموز در این اجتماع جدید فرصت می‌یابد تا در مدرسه و یا دانشگاه پذیرفته شود (براتی، ۱۴۰۰).

فرایند تغییر منزلت اجتماعی فرد در جامعه، تحرک اجتماعی خوانده می‌شود. آموزش و پرورش در ارتباط با نظام قشربندی اجتماعی دو وظیفه یا کارکرد بر عهده داشته است: تفکیک و گزینش. تحرک اجتماعی تحت تأثیر راهبردهایی که نظام آموزش و پرورش برای گزینش افراد و گروه‌ها و تخصیص آن‌ها به رشته‌های تحصیلی

و مشاغل اجتماعی، قرا می‌گیرد (علاقه‌بند، ۱۳۸۹: ۱۵۶). در واقع باید گفت نظام آموزش و پرورش وظیفه دارد تا افراد بااستعداد را فارغ از وابستگی طبقاتی‌ای که دارند انتخاب نماید و به تدریج آن‌ها را درون سیستم آموزشی به سوی یک رشته دانشگاهی خوب و متعاقباً آینده شغلی مناسب، حرکت دهد و بدین ترتیب باعث تحرک اجتماعی دانش‌آموزان گردد. درجه موفقیت یک نظام آموزشی در این امر خطیر موضوعی است که باید مورد بررسی قرار گیرد.

هدف نهایی تمامی سیستم‌های آموزشی این است که تعلیم‌دیدگان شانس برابری برای دستیابی به فرصت‌های مطلوب آموزشی و دسترسی به منابع آموزشی یعنی معلم متخصص، فضای مناسب آموزشی و تجهیزات پیشرفته آموزشی داشته باشند؛ اما از گذشته همواره نابرابری آموزشی وجود داشته و همواره گروهی از تسهیلات آموزشی بیشتری بهره می‌برده‌اند. کسانی که توان اقتصادی بالاتری دارند از سرمایه‌گذاری آموزشی بیشتر سود می‌برند تا کسانی که توان اقتصادی کمتر؛ این نابرابری آموزشی در تمام کشورها وجود دارد، ولی شدت و ضعف آن متفاوت است (براتی، ۱۴۰۰: ۱۴).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مدرسه به بازتولید فرهنگ و ساختار جامعه می‌پردازد. این بدان معناست که مدرسه افراد را اجتماعی کرده و به تقسیم و تخصیص آن‌ها می‌پردازد. به عبارت دیگر، مدرسه در نهادینه شدن واقعیت برای فرد، نقش میانجی و واسطه دارد. طبق این دیدگاه مدرسه نمی‌تواند به گزینش افراد مستعد بپردازد، بلکه مردم را قانع می‌کند که گزینش صورت گرفته مبتنی بر شایسته‌سالاری است. جامعه سرمایه‌داری نیاز دارد مردم را قانع کند که فکر کنند افراد موجود در موقعیت بالا، شایستگی این موقعیت را داشته و نسبت به دیگران مستعدترند. پس مدرسه نهادی است که نابرابری‌های موجود بین طبقات اجتماعی را، بازتولید کرده و مشروعیت می‌بخشد. آن‌هایی که از قشرهای بالای اجتماعی هستند، دسترسی بهتری به مدارس دارند. (شارع پور، ۱۳۸۷: ۷۴).

بر اساس نظریه سرمایه فرهنگی، بخشی از تأثیر خاستگاه خانوادگی بر موفقیت تحصیلی ناشی از برخورداری دانش‌آموزان از منابع فرهنگی بیشتر است. طبق این نظریه، فرهنگ متعالی نقش بسیار مهمی در بازتولید و مشروعیت نابرابری اجتماعی - اقتصادی ایفا می‌کند. امروزه استحاله از نوعی زندگی اجتماعی که عمدتاً با ویژگی‌های اقتصادی شناخته و معرفی می‌شود، به نوع دیگری از زندگی اجتماعی که ویژگی‌های عمده آن ماهیت فرهنگی دارد، صورت گرفته است (حیدری، ۱۳۸۶: ۱۶). مفهوم بازتولید فرهنگی بورديو به معنای راه و روش‌هایی است که طی آن‌ها مدارس، همراه با سایر نهادهای اجتماعی، موجب استمرار و تکرار نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی در نسل‌های متوالی می‌شوند. این مفهوم ما را متوجه ابزارها و روش‌هایی می‌کند که از طریق آن و از گذر برنامه درسی پنهان، مدارس بر یادگیری ارزش‌ها، ایستارها و عادت‌ها تأثیر می‌گذارند. مدارس موجب تقویت و تحکیم انواع و اقسام ارزش‌ها و نگرش‌های فرهنگی می‌شوند که در سنین اولیه زندگی اخذ شده‌اند؛ وقتی دانش‌آموزان مدرسه را ترک می‌گویند، این آموخته‌ها موجب محدود شدن فرصت‌ها برای بعضی و گشودن فرصت‌ها برای بعضی دیگر می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۶: ۷۴۲).

بر اساس نظریه سرمایه فرهنگی بورديو، تأثیر خاستگاه اجتماعی خانواده بر موفقیت تحصیلی فرزند ناشی از نوع و میزان منابع فرهنگی است که والدین برای فرزند خود فراهم می‌کنند، زیرا کودک با استفاده از این منابع فرهنگی می‌تواند انتظارات مدرسه را برآورده سازد (شارع پور، ۱۳۸۷: ۸۷). مفهوم سرمایه فرهنگی نسبتاً مبهم است. در یک سطح عمده سرمایه فرهنگی به دانش ادراکی مسلط نظام‌های هنجاری نوشته‌شده در یک فرهنگ وابسته است. بورديو استدلال می‌کند که منابع فرهنگی افراد و خانواده‌ها را متمایز از «سرمایه» در شرایط برابری منابع اقتصادی (که بورديو به آن «سرمایه اقتصادی» می‌نامد) و شبکه‌های اجتماعی و ارتباطات (به آن «سرمایه اجتماعی» می‌گوید) در نظر می‌گیرد (جاگر^۱، ۲۰۱۰: ۶).

در این تحقیق منظور از سرمایه فرهنگی امکانات آموزشی است که والدین در اختیار فرزندان خود قرار می‌دهند.

آموزش و پرورش به‌سادگی ساختار طبقاتی موجود را با کمک به افراد فرادست و حذف افراد فرودست حفظ می‌کند و به بازتولید طبقاتی منجر می‌شود. آموزش و پرورش به شیوه دیگری نیز به ابقای ساختار طبقاتی می‌پردازد و از طریق موفق ساختن کودکان طبقه بالا، به نابرابری مشروعیت می‌بخشد و عدم موفقیت کودکان طبقه پایین در نتیجه روش‌های عینی می‌باشد. او تصویر نسبتاً دورانی از ساختار طبقاتی ارائه می‌دهد که خود را از طریق سازوکارهای فرهنگی ایستا به‌طور پایان‌ناپذیر بازسازی می‌کند (فالچر، ۱۳۸۱: ۲۲).

بورديو معتقد است که افراد تحت تأثیر خاستگاه اجتماعی خود، با دانش فرهنگی مختلف و با برخورداری از سرمایه فرهنگی مختلف وارد نظام آموزشی می‌شوند. نظام آموزشی نه تنها به برابری این تفاوت‌های اولیه در سرمایه فرهنگی نمی‌پردازد، بلکه حتی آن‌ها را تشدید می‌کند. لذا دانش‌آموزانی که از سرمایه فرهنگی بیشتری برخوردارند، بهتر خواهند توانست به موفقیت‌های تحصیلی دست یابند و همین امر خود بر سطح طبقاتی و شغلی آنان در آینده تأثیر می‌گذارد (شارع‌پور، ۱۳۸۷: ۸۸). با تکیه بر مفهوم سرمایه فرهنگی باید گفت بخشی از تأثیر خاستگاه خانوادگی بر موفقیت تحصیلی ناشی از برخورداری دانش‌آموزان از منابع فرهنگی بیشتر است. میزان این سرمایه فرهنگی که دانش‌آموز از خانواده خود به دست می‌آورد به پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده او بستگی دارد.

به‌علاوه دانش‌آموزانی که از طبقه اجتماعی - اقتصادی بالایی برخوردار هستند در تحصیل موفق‌ترند؛ زیرا این دانش‌آموزان سرمایه فرهنگی بیشتری دارند. بنابراین میزان موفقیت درسی کودکان متعلق به طبقات متوسط و بالا، بالاتر از افراد طبقه پایین است. بنابراین این افراد در آینده نیز با انتخاب رشته‌های تحصیلی بهتر، وارد

همان سطح طبقاتی می‌شوند که خانواده‌شان بدان تعلق داشت و این یعنی همان مفهوم بازتولید طبقاتی.

چارچوب نظری اصلی این تحقیق نظریه بازتولید است. اجزای اصلی این مدل نیز شامل قشر اجتماعی و یا همان پایگاه اجتماعی- اقتصادی، امکانات آموزشی و رشته تحصیلی می‌باشد. طبق این چارچوب باید گفت طبقه اجتماعی فرد بر روی میزان استفاده وی از امکانات آموزشی مطلوب تأثیر می‌گذارد و همین امکانات آموزشی باعث می‌شود که شخص در رشته دانشگاهی خاصی پذیرفته گردد. اگر بخواهیم همین موضوع را به صورت یک مدل نشان دهیم، چنین شکلی به دست می‌آید:



طبق این چارچوب باید استدلال کرد که تحصیل در یک رشته دانشگاهی خاص می‌تواند جایگاه طبقاتی جدید فرد را از طریق داشتن شغلی مشخص، واحدی معین نماید. زیرا رشته تحصیلی معمولاً رابطه مستقیمی با شغل پیدا می‌کند و از همین طریق سطح درآمدی و منزلت اجتماعی فرد را نیز به مقدار زیادی تعیین می‌نماید. طبق مدل و با تأکید بر نظرات بوردیو باید گفت که پایگاه و خاستگاه خانوادگی (سطح طبقاتی) به طور غیرمستقیم از طریق سرمایه فرهنگی (استفاده از امکانات آموزشی) بر موفقیت تحصیلی (پذیرفته شدن در رشته دانشگاهی مناسب) اثر دارد.

روش تحقیق

در این تحقیق از بین روش‌های مختلفی که وجود دارد، روش پیمایشی انتخاب شده است. در واقع در اینجا سعی بر این است با بررسی تعداد قابل توجهی از موردها و موضوعات تحقیق که در واقع همان افراد هستند، رابطه بین متغیرهای موجود را مورد بررسی قرار گیرد. تکنیک مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها در این کار نیز طراحی پرسشنامه است.

این تحقیق یک مطالعه بر روی دانشجویان دانشگاه‌های سراسری دولتی شهر تهران با جامعه آماری ۶۰۰۰۰ نفر است. روش انتخاب نمونه به صورت تصادفی و با روش خوشه‌ای دومرحله‌ای بوده است. با استفاده از فرمول کوکران و با سطح خطای ۰,۰۵، تعداد نمونه انتخاب شده ۲۰۰ نفر بوده است. شایان ذکر است بعد از حذف تعدادی از پرسشنامه‌های با پاسخ ناقص، تعداد ۱۹۶ مورد در تحلیل نهایی مورد استفاده قرار گرفت.

فرضیه‌های این تحقیق به شرح زیر می‌باشد:

- ❖ به نظر می‌رسد بین رشته تحصیلی و طبقه اجتماعی دانشجویان رابطه معناداری وجود داشته باشد.
- ❖ به نظر می‌رسد بین رشته تحصیلی و میزان بهره‌گیری از امکانات آموزشی دانشجویان، رابطه معناداری وجود داشته باشد.
- ❖ به نظر می‌رسد بین طبقه اجتماعی دانشجویان و میزان بهره‌گیری آن‌ها از امکانات آموزشی، رابطه معناداری وجود داشته باشد.

بنابراین سه شاخص اصلی تحقیق که به‌طور عملیاتی باید سنجیده شوند عبارت است از «طبقه اجتماعی»، «بهره‌گیری از امکانات آموزشی» و «نوع رشته تحصیلی». برای عملیاتی‌سازی شاخص «طبقه اجتماعی» از مواردی چون تحصیلات، شغل و درآمد والدین و نیز برخورداری از برخی امکانات شخصی استفاده شده است. «بهره‌گیری از امکانات آموزشی» نیز با در نظر گرفتن مواردی چون استفاده از

کلاس‌های خصوصی، کلاس‌های تقویتی جهت آمادگی کنکور با هزینه شخصی، وسایل کمک‌آموزشی، کتب تست، نرم‌افزارهای آموزشی، میزان هزینه‌کرد در این خصوص، نوع مدرسه محل تحصیل و... سنجیده شده است. درنهایت «نوع رشته تحصیلی» از طریق پرسش از خود مصاحبه‌شونده به لحاظ بازار کار و امنیت اقتصادی و نیز نگرش عمومی و بین‌الذهانی جامعه به رشته‌های دانشگاهی، گروه‌بندی شده‌اند.

یافته‌ها

برای تقسیم‌بندی «نوع رشته تحصیلی» دانشجویان، آن‌ها در پنج سطح قرار گرفتند. درواقع مبنای این تقسیم‌بندی بر این است که رشته‌های سطح پایین‌تر از منزلت عمومی و امنیت اقتصادی پایین‌تری در جامعه برخوردارند.

جدول ۱- توزیع فراوانی دانشجویان برحسب رشته تحصیلی

سطح رشته	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
بسیار پایین	۴۴	۲۲,۴	۲۲,۴
نسبتاً پایین	۴۶	۲۳,۵	۴۵,۹
متوسط	۳۶	۱۸,۴	۶۴,۳
نسبتاً بالا	۱۸	۹,۲	۷۳,۵
بسیار بالا	۵۲	۲۶,۵	۱۰۰
جمع کل	۱۹۶	۱۰۰	۱۰۰

همان‌طور که مشاهده می‌گردد، تعداد ۱۹۶ نفر رشته تحصیلی خود را اعلام نموده‌اند. مشاهده می‌شود که سطح رشته تحصیلی بیشتر افراد، یعنی حدود ۲۷ درصد، بسیار بالا است؛ اما در کل افرادی که سطح رشته آن‌ها بالاتر از متوسط می‌باشد کمتر از افرادی‌اند که سطح رشته‌شان پایین‌تر از متوسط است، یعنی ۳۶ درصد در مقابل ۴۶ درصد.

در خصوص شاخص «بهره‌گیری از امکانات آموزشی» گروه‌بندی نمرات پاسخگویان بر اساس حداقل و حداکثر نمرات کسب‌شده انجام شده است و پاسخگویان در پنج گروه جای گرفته‌اند.

جدول ۲- توزیع فراوانی دانشجویان برحسب نمره بهره‌گیری از امکانات آموزشی

میزان بهره‌گیری	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
خیلی پایین	۵۲	۲۶	۲۶
نسبتاً پایین	۶۵	۳۲,۵	۵۸,۵
متوسط	۵۳	۲۶,۵	۸۵
نسبتاً بالا	۲۲	۱۱	۹۶
خیلی بالا	۸	۴	۱۰۰
جمع کل	۲۰۰	۱۰۰	۱۰۰

جدول فوق نشان می‌دهد که بزرگ‌ترین گروه را کسانی تشکیل می‌دهند که میزان بهره‌گیری آن‌ها از امکانات آموزشی نسبتاً پایین است، با حدود ۳۳ درصد. گروه خیلی پایین و متوسط نیز بعد از آن بزرگ‌ترین گروه‌اند؛ با اختصاص حدود ۲۶ درصد پاسخگویان به خود. به‌طور کلی گروه‌های پایین‌تر از متوسط بسیار بیشتر از گروه‌های بالاتر از متوسط هستند، ۵۹ درصد در برابر ۱۵ درصد.

در خصوص شاخص «طبقه اجتماعی» نیز پاسخگویان در پنج گروه جای گرفتند.

جدول ۳- توزیع فراوانی دانشجویان برحسب نمره طبقه اجتماعی

طبقه اجتماعی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
خیلی پایین	۷۱	۳۵,۹	۳۵,۹
نسبتاً پایین	۶۱	۳۰,۸	۶۶,۷
متوسط	۴۴	۲۲,۲	۸۸,۹
نسبتاً بالا	۱۴	۷,۱	۹۶
خیلی بالا	۸	۴	۱۰۰
جمع کل	۱۹۸	۱۰۰	۱۰۰

طبق جدول فوق بزرگ‌ترین گروه را کسانی تشکیل می‌دهند که طبقه اجتماعی آن‌ها خیلی پایین است، با حدود ۳۶ درصد. گروه نسبتاً پایین نیز بعد از آن با اختصاص حدود ۳۱ درصد پاسخگویان به خود بزرگ‌ترین گروه است. به‌طور کلی گروه‌های

پایین تر از متوسط بسیار بیشتر از گروه‌های بالاتر از متوسط هستند، ۶۶ درصد در برابر ۱۱ درصد.

همان طور که پیش از این ذکر شد مدل اصلی تحقیق مبنی بر این فرض بود که طبقه اجتماعی افراد بر میزان بهره‌گیری آن‌ها از امکانات آموزشی و این بهره‌گیری خود بر نوع رشته تحصیلی فرد تأثیر می‌گذارد. برای اثبات این مدل باید به ترتیب به صحت روابطی پی برد که در ادامه خواهد آمد:

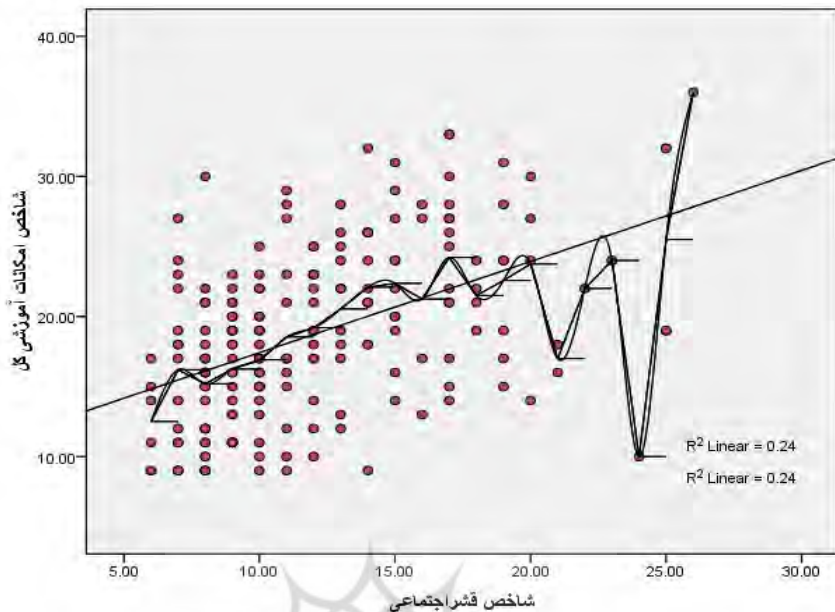
❖ رابطه بین طبقه اجتماعی و بهره‌گیری از امکانات آموزشی

از آنجایی که هر دوی این شاخص‌ها در سطح فاصله‌ای سنجیده شده‌اند، از ضریب پیرسون و ضریب تعیین برای بررسی رابطه بین آن‌ها استفاده شده است که نتایج آن در جدول قابل مشاهده است.

جدول ۴- بررسی رابطه آماری بین طبقه اجتماعی و بهره‌گیری از امکانات آموزشی

نوع ضریب آماری	مقدار	سطح معناداری
همبستگی پیرسون	۰,۴۹	۰,۰۰۰
ضریب تعیین	۰,۲۵	۰,۰۰۰

همان طور که مشاهده می‌شود، رابطه بین این دو شاخص با سطح معناداری ۰,۰۱ و میزان اطمینان ۹۹ درصد، تأیید شده است. در واقع در اینجا فرض H_1 مبنی بر وجود رابطه تأیید می‌شود. بر مبنای این فرض شاخص طبقه اجتماعی تبیین‌کننده خوبی برای شاخص امکانات آموزشی است. در واقع میزان استفاده از امکانات آموزشی، بستگی به سطح طبقاتی دانشجویان دارد. ضریب پیرسون در اینجا ۰,۴۹ مشخص شده است. در نتیجه ضریب تعیین نیز حدود ۰,۲۵ است؛ یعنی حدود ۲۵ درصد از تغییرات امکانات آموزشی به وسیله طبقه اجتماعی افراد معین می‌گردد.



نمودار ۱- رابطه بین طبقه (قشر) اجتماعی و بهره‌گیری از امکانات آموزشی مشاهده می‌شود که نقاط پراکندگی حول قطر این جدول تمرکز یافته‌اند و این نشان‌دهنده وجود یک رابطه مستقیم بین این دو شاخص است. در واقع با افزایش نمره طبقه اجتماعی دانشجویان، میزان استفاده آنان از امکانات آموزشی افزایش می‌باشد. برای بررسی دقیق‌تر این رابطه با توجه به اینکه شاخص طبقه اجتماعی در سطح ترتیبی نیز سنجیده شده است، می‌توان از مقایسه میانگین‌ها با کمک آماره f نیز استفاده کرد. نتیجه این آزمون در جدول زیر آمده است.

جدول ۵- نتیجه آزمون اف برای رابطه بین امکانات آموزشی و طبقه اجتماعی

نوع ضریب آماری	مقدار	سطح معناداری
اف آنووا	۱۶,۲	۰,۰۰۰
اتا دو	۰,۲۵	۰,۰۰۰

نتیجه آزمون f این رابطه را معنادار نشان می‌دهد. مشاهده می‌شود که سطح معناداری بسیار پایین‌تر از $۰,۰۵$ و نزدیک به صفر می‌باشد. در نتیجه فرضیه H_0 رد

می‌شود. این فرضیه نشان‌دهنده برابری میانگین گروه‌ها و در نتیجه عدم وجود رابطه بین آن‌ها می‌باشد؛ اما فرض H_1 که در اینجا تأیید شده است نشان‌دهنده وجود اختلاف بین میانگین‌ها و وجود ارتباط میان متغیرها است. ضریب اتادو نیز شدت این رابطه را ۰,۲۵ نشان می‌دهد.

جدول ۶- توزیع فراوانی دانشجویان برحسب نمره امکانات آموزشی به تفکیک سطح طبقه اجتماعی

میانگین نمره امکانات آموزشی	تعداد افراد	قشر اجتماعی
۱۵,۵	۷۱	خیلی پایین
۱۸,۵	۶۱	نسبتاً پایین
۲۲,۷	۴۴	متوسط
۲۲,۱	۱۴	نسبتاً بالا
۲۴,۵	۸	خیلی بالا

همان‌طور که جدول نشان می‌دهد، میانگین نمره امکانات آموزشی برای اقشار خیلی پایین حدود ۱۵، برای اقشار نسبتاً پایین حدود ۱۸، برای اقشار متوسط و نسبتاً بالا حدود ۲۲ و برای طبقات خیلی بالا حدود ۲۵ است؛ بنابراین هرچقدر سطح طبقه اجتماعی دانشجویان افزایش می‌یابد، میانگین نمره امکانات آموزشی آنان نیز بالا می‌رود.

❖ رابطه بین امکانات آموزشی و رشته تحصیلی

در اینجا نیز باید از مقایسه میانگین‌ها و ضریب f استفاده نمود تا دید آیا بین میانگین نمره امکانات آموزشی دانشجویانی که در گروه‌های مختلف رشته‌ای قرار دارند، تفاوتی وجود دارد یا خیر. نتیجه آزمون در جدول زیر آمده است.

جدول ۷- نتیجه آزمون اف برای رابطه بین امکانات آموزشی و رشته تحصیلی

نوع ضریب آماری	مقدار	سطح معناداری
اف آنوو	۲۳,۸	۰,۰۰۰
اتادو	۰,۳۳	۰,۰۰۰

مشاهده می‌شود که آزمون f رابطه را با دقت $0,01$ معنادار نشان می‌دهد. در واقع اثبات فرض H_1 نشان‌دهنده وجود اختلاف میان میانگین نمره امکانات آموزشی دانشجویان دارای سطوح مختلف رشته‌ای و در نتیجه وجود رابطه میان این دو متغیر است. ضریب اتادو نیز شدت این رابطه را $0,33$ نشان می‌دهد.

جدول ۸- توزیع فراوانی دانشجویان برحسب نمره امکانات آموزشی به تفکیک سطح رشته تحصیلی

سطح رشته	تعداد افراد	میانگین نمره امکانات آموزشی
خیلی پایین	۴۴	۱۵,۶
نسبتاً پایین	۴۶	۱۶,۳
متوسط	۳۶	۱۷,۲
نسبتاً بالا	۱۸	۲۱,۶
خیلی بالا	۵۲	۲۴,۱

مشاهده می‌شود که میانگین نمره امکانات آموزشی دانشجویانی که رشته‌های بسیار پایین را انتخاب نموده‌اند حدود ۱۵، رشته‌های نسبتاً پایین ۱۶، رشته‌های متوسط ۱۷، رشته‌های نسبتاً بالا ۲۲ و رشته‌های بسیار بالا ۲۴ بوده است. به‌وضوح می‌توان پی برد که با افزایش امکانات آموزشی به سطح رشته تحصیلی نیز افزوده می‌گردد.

برای اینکه از وجود این رابطه اطمینان کامل حاصل کنیم و همچنین امکان مقایسه بهتری فراهم گردد، شاخص امکانات آموزشی در سطح ترتیبی نیز در نظر می‌شود.

جدول ۹- نتیجه چند آزمون برای رابطه بین امکانات آموزشی و رشته تحصیلی

نوع ضریب آماری	مقدار	سطح معناداری
دی سامرز	۰,۴۱	۰,۰۰۰
تاو کندال بی	۰,۴۱	۰,۰۰۰
گاما	۰,۵۲	۰,۰۰۰
اسپیرمن	۰,۴۹	۰,۰۰۰

مشاهده می‌شود که همه ضرایب رابطه معناداری را بین دو متغیر نشان می‌دهد. بر اساس ضریب نامتقارن دی سامرز وقتی رشته تحصیلی متغیر وابسته باشد، مقدار آن ۰,۴۱ است. ضریب تاو کندال و گاما نیز به ترتیب با حدود شدت ۰,۴۱ و ۰,۵۲، رابطه را معنادار نشان می‌دهند. در نهایت ضریب اسپیرمن نیز با اطمینان ۹۹ درصد رابطه را معنادار و شدت آن را ۰,۴۹ نشان می‌دهد.

❖ رابطه بین طبقه اجتماعی و رشته تحصیلی

در اینجا نیز باید از مقایسه میانگین‌ها و ضریب f استفاده نمود تا دید آیا بین میانگین نمره قشر اجتماعی دانشجویانی که در گروه‌های مختلف رشته‌ای قرار دارند، تفاوتی وجود دارد یا خیر. نتیجه آزمون در جدول زیر آمده است.

جدول ۱۰- نتیجه آزمون اف برای رابطه بین طبقه اجتماعی و رشته تحصیلی

نوع ضریب آماری	مقدار	سطح معناداری
اف آنووا	۱۴,۸	۰,۰۰۰
اتا دو	۰,۲۴	۰,۰۰۰

مشاهده می‌شود که آزمون f رابطه را با دقت بالایی معنادار نشان می‌دهد. ضریب اتادو نیز شدت این رابطه را حدود ۰,۲۴ نشان می‌دهد.

جدول ۱۱- توزیع فراوانی دانشجویان بر حسب سطح طبقه اجتماعی به تفکیک سطح رشته تحصیلی

سطح رشته	تعداد افراد	میانگین نمره قشر اجتماعی
خیلی پایین	۴۳	۱۰
نسبتاً پایین	۴۶	۱۰,۹
متوسط	۳۶	۱۱,۲
نسبتاً بالا	۱۸	۱۲,۱
خیلی بالا	۵۲	۱۵,۸

مشاهده می‌شود که میانگین نمره طبقه اجتماعی برای دانشجویانی که رشته‌های سطح بسیار پایین را انتخاب نموده‌اند ۱۰، برای سطح نسبتاً پایین و متوسط

حدود ۱۱، برای سطح نسبتاً بالا ۱۲ و برای سطح بسیار بالا ۱۶ است. در واقع با افزایش سطح رشته تحصیلی دانشجویان، نمره طبقه اجتماعی آنان نیز بالا می‌رود. با در نظر گرفتن شاخص طبقه اجتماعی در سطح ترتیبی سایر آزمون‌ها نیز بررسی شده است.

جدول ۱۲- نتیجه چند آزمون برای رابطه بین طبقه اجتماعی و رشته تحصیلی

نوع ضریب آماری	مقدار	سطح معناداری
دی سامرز	۰,۳۷	۰,۰۰۰
تاو کندال بی	۰,۳۷	۰,۰۰۰
گاما	۰,۴۹	۰,۰۰۰
اسپیرمن	۰,۴۵	۰,۰۰۰

مشاهده می‌شود که ضریب سامرز با دقت ۰,۰۱ معنادار شده است. ضریب تاو کندال، گاما و اسپیرمن نیز این رابطه را با سطح اعتماد و اطمینان ۹۹ درصد معنادار نشان می‌دهند و شدت رابطه را نیز به ترتیب ۰,۳۷، ۰,۴۹ و ۰,۴۵ نشان می‌دهند.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق سعی شد مشخص گردد چه رابطه‌ای بین طبقه اجتماعی دانشجویان و میزان بهره‌گیری آنان از امکانات آموزشی وجود دارد و نیز اینکه آیا بین این دو مفهوم با نوع رشته تحصیلی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد یا خیر. به‌طور کلی سؤال اصلی در این تحقیق این بود که دانشجویان سطح بالا از نظر طبقاتی، بهره‌گیری بیشتر و مطلوب‌تری از امکانات آموزشی موجود در جامعه دارند و همین میزان بالای بهره‌گیری از امکانات آموزشی باعث می‌شود که آن‌ها به راحتی بتوانند وارد رشته‌های دانشگاهی سطح بالا - رشته‌هایی که حیثیت اجتماعی و امنیت اقتصادی بالایی دارند - بشوند. انتخاب این نوع رشته‌ها به‌نوعی آینده‌شغلی - منزلتی مطلوبی را برای دانشجو فراهم می‌آورد و در نتیجه او را مجدداً در سطوح بالای طبقاتی جای می‌دهد. عکس این قضیه برای اقشار سطح پایین از نظر طبقاتی نیز صادق است.

فرضیه‌های این تحقیق که مورد بررسی قرار گرفتند تأیید شدند. بررسی مدل نظری تحقیق نیز نشان داد که این مدل با دقت بالایی با واقعیت مطابقت دارد. با اثبات این مدل باید گفت بین دو شاخص طبقه اجتماعی و امکانات آموزشی رابطه متوسط قوی، مستقیم و معناداری وجود دارد. شاخص قشر اجتماعی تبیین‌کننده خوبی برای شاخص امکانات آموزشی است و در واقع میزان استفاده از امکانات آموزشی، بستگی به سطح طبقاتی دانشجویان دارد. همچنین طبق مدل نظری تحقیق بین میزان بهره‌گیری از امکانات آموزشی و نوع رشته تحصیلی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. در واقع با توجه به تقسیم‌بندی رشته‌های تحصیلی که پیش از این ذکر شد، میانگین نمره امکانات آموزشی دانشجویانی که در رشته‌های سطح بالا تحصیل می‌کنند بیشتر از آن‌هایی است که رشته‌های سطح پایین را انتخاب نموده‌اند. مدل نظری این تحقیق نشان داد که بین سطح طبقاتی دانشجویان و نوع رشته تحصیلی آن‌ها نیز رابطه معناداری وجود دارد. بر طبق این یافته می‌توان گفت دانشجویانی که جزء اقشار بالای جامعه هستند، وارد رشته‌های سطح بالاتر و دانشجویان متعلق به طبقات پایین‌تر وارد رشته‌های سطح پایین می‌شوند.

امروزه بسیاری از محققان و دانشمندان بر این اعتقادند که از میان تمام نهادهای موجود در جامعه تنها از طریق نظام آموزشی می‌توان برابری را در جامعه ایجاد کرد (هورن^۱، ۲۰۱۰). تحقیق حاضر نشان داد که نظام آموزش و پرورش اگر امکانات را به درستی توزیع نکند و در اختیار اقشار گوناگون جامعه قرار ندهد، می‌تواند به نابرابری دامن بزند. افراد زیادی هستند که با وجود داشتن توانایی و استعداد شخصی و تنها به این دلیل که متعلق به اقشار پایین جامعه هستند، از تحصیل باز می‌مانند و یا حداقل نمی‌توانند استفاده شایسته‌ای از امکانات آموزشی داشته باشند.

به‌طور کلی این تحقیق با تأیید این فرض که بین سطوح طبقه اجتماعی، میزان استفاده از امکانات آموزشی و نوع و سطح رشته تحصیلی در دانشگاه رابطه معناداری

وجود دارد، نشان داد که سطح طبقاتی و متغیرهای وابسته به آن می‌تواند دلیلی برای ورود به رشته‌های مشخصی باشد. موضوع دیگری که تحقیق حاضر آن را تأیید نمود این بود که افراد سطح پایین از نظر طبقاتی عمدتاً به سمت رشته‌هایی سوق می‌یابند که در آینده نیز می‌تواند آن‌ها را در همان سطوح پایین نگه می‌دارد. این امر به نوعی می‌تواند باعث تداوم نابرابری طبقاتی موجود گردد؛ بنابراین فرایندی که با ورود به مدرسه آغاز می‌شود، در نهایت می‌تواند به بازتولید پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد منجر گردد.

هر نظام آموزشی در پی یافتن بهترین نتیجه با استفاده از امکانات در دسترس خود می‌باشد. این نظام نقش بسزایی در پیشرفت تحصیلی فراگیران دارد؛ موضوعی که در حال حاضر مورد توجه تمامی کشورهای جهان است و هر ساله مقدار زیادی از بودجه جوامع صرف تحصیل کودکان و نوجوانان و شناخت عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود (عباباف، ۱۳۸۷).

حق آموزش بخشی از حقوق ذاتی انسان بوده و وسیله‌ای است که امکان رهایی از فقر را فراهم ساخته و در پیشرفت یک کشور نیز نقش اساسی دارد؛ بنابراین بایستی با تساوی کامل در اختیار همه قرار گیرد تا افراد بر اساس استعداد خود از آن بهره‌مند شوند.

اهمیت تأمین فرصت‌های برابر آموزشی سبب شده است که یک سند بین‌المللی، تحت عنوان کنوانسیون یونسکو علیه تبعیض در آموزش در این زمینه تصویب شود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در تأکید دارد که دولت موظف است همه وسایل و امکانات آموزش و پرورش رایگان را در اختیار همه مردم قرار دهد. همان‌طور که تحقیق حاضر نشان داد، افراد دارای طبقات اجتماعی بالا بیش از بقیه از امکانات آموزشی نظیر مدارس خصوصی استفاده می‌کنند. در حالی که پژوهش‌ها نشان می‌دهد با وجود مدارس خصوصی و استخدام معلمان برجسته در این‌گونه مدارس، غالباً استعداد افراد دارا پرورش داده می‌شود و بالتبع این افراد در کسب مدارج عالی علمی

و راهیابی به دانشگاه‌ها در اولویت قرار می‌گیرند (رضازاده، ۱۳۹۷)؛ بنابراین مسئله دسترسی نابرابر به امکانات آموزشی همچنان وجود دارد و با مکانیزم‌های فوق‌الذکر تداوم پیدا می‌کند.

در یک جامعه همه گروه‌ها موقعیت برابری ندارند. از جمله مواردی که این تفاوت را ایجاد می‌نماید، قشربندی اجتماعی است. افرادی که متعلق به اقشار اجتماعی مختلف و پایگاه‌های اقتصادی- اجتماعی گوناگون‌اند، دسترسی برابری به فرصت‌ها ندارند. یکی از این فرصت‌ها آموزش و تعلیم و تربیت است. از آنجایی که یک فرد در مسیر علم‌آموزی و کسب مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای موردنیاز جامعه، به‌نوعی جایگاه منزلتی- شغلی آینده خود را در یک جامعه مشخص می‌کند، در صورتی که به دلیل تعلق به یک طبقه اجتماعی پایین نتواند از امکانات تحصیلی مطلوب در جامعه استفاده نماید، در آینده نیز مجدداً درون همان قشر جای خواهد گرفت.

نظام آموزش و پرورش باید بتواند به‌طور برابر به تعلیم و تربیت افراد جامعه پرداخته و با آموزش مهارت‌های لازم، آن‌ها را برای داشتن یک پایگاه شغلی مطلوب در جامعه یاری کند. هرچند این نظام به دنبال ایجاد فرصت‌های برابر برای تمام اقشار جامعه است، اما همان‌طور که پژوهش حاضر نشان داد از آنجایی که نابرابری طبقاتی در جامعه وجود دارد، تحقق این مهم به‌طور کامل امکان‌پذیر نخواهد بود؛ زیرا این نابرابری به مدرسه نیز تسری پیدا می‌کند. به‌بیان دیگر افراد سطح بالا از نظر طبقاتی می‌توانند از امکانات آموزشی مطلوبی استفاده نمایند و افراد سطح پایین از آن محروم می‌مانند. همچنین طبق یافته‌های این تحقیق که پژوهش‌های دیگر نیز آن را تأیید می‌کند، میزان استفاده از امکانات آموزشی بر نوع رشته تحصیلی انتخابی فرد در دانشگاه نیز تأثیر می‌گذارد و این انتخاب به‌نوبه خود بر قشربندی و پایگاه اجتماعی- اقتصادی آینده فرد اثرگذار است.

در پایان برخی راهکارها و پیشنهادهای جهت رفع مشکلات ذکرشده در برخورداری اقشار مختلف از امکانات آموزشی اشاره می‌شود:

- غیرمتمرکز کردن اعتبارات ملی و تخصیص اعتبار تحصیلی برای اقشار پایین جامعه.
- توزیع امکانات و منابع بر طبق محرومیت‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی افراد و خانواده‌ها.
- ایجاد خانه‌های فرهنگ در مناطق محروم فرهنگی و از آن طریق آگاهی دادن به خانواده‌های سطح پایین از نظر طبقاتی در مورد اهمیت علم‌آموزی و تحصیل دانش.
- تخصیص بیشتر امکانات آموزشی به استان‌های محروم و یا ایجاد منابع درآمدی دیگر برای آن‌ها.
- تأمین اعتبارات لازم همراه با شناسایی مناطق مستعد برای تأسیس مدارس شبانه‌روزی با امکانات مناسب.
- تجهیز بیشتر و افزایش امکانات آموزشی مدارس دولتی.
- در اختیار قرار دادن امکانات آموزشی رایگان برای افراد مستعد و کوشا که وابسته به طبقات پایین جامعه.

منابع

- ابوالحسنی، منصوره (۱۳۸۹)، بررسی مقایسه‌ای استعاره‌های موفقیت بین سه گروه رتبه‌های برتر، متوسط و پذیرفته‌نشده‌گان آزمون سراسری ۸۹-۸۸، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- اکبری‌پور، صفدر (۱۳۷۸)، پژوهشی در مورد پایگاه اجتماعی- اقتصادی دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی و فنی دانشگاه تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
- باقری، اکبر (۱۳۷۶)، توسعه و نابرابری‌های اجتماعی در آموزش و پرورش ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- براتی، کلثوم (۱۴۰۰)، بررسی رابطه‌ی نابرابری آموزشی و پیشرفت تحصیلی مقطع ابتدایی شهر مشهد سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور استان خراسان رضوی، مرکز پیام نور مشهد.

- تاج‌الدین، محمدباقر (۱۳۸۲)، تبیین رابطه بین آموزش و محرومیت اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- تاملین، ملوین (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری اجتماعی، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، انتشارات توتیا.
- تورن، آلن (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی پس از جامعه‌شناسی، ترجمه داوود حیدری، مجله رشد علوم اجتماعی، دوره ۱۱، شماره ۲.
- جلالی، محمدرضا (۱۳۸۶)، تحلیل رابطه نابرابری‌های طبقاتی و نابرابری‌های آموزشی با تأکید بر نقش متغیرهای واسطه‌ای، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۹۱: ۱۵-۵۳.
- حاضری، علی محمد، (۱۳۷۷)، مدارس غیرانتفاعی و تحرک اجتماعی؛ با تکیه بر مطالعه در شهرستان یزد، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- رضازاده، یاشار (۱۳۹۷)، حق دسترسی برابر به امکانات آموزشی از دیدگاه عدالت آموزشی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه ارشد رشته حقوق عمومی، دانشگاه تبریز، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی.
- رفعت‌جاه، مریم (۱۳۷۶)، بررسی عوامل مؤثر در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان مدارس غیرانتفاعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۵)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ شانزدهم.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، انتشارات سمت، چاپ ششم.
- عباغاب، زهرا (۱۳۸۷)، مقایسه استراتژی‌های یادگیری دانش‌آموزان قوی و ضعیف دوره دبیرستان مناطق ۲، ۴ و ۱۱ شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- عسگریان، مصطفی، (۱۳۶۸)، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، انتشارات حیدری، چاپ اول.
- علاقه‌بند، علی (۱۳۷۹) جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، انتشارات دیدار، چاپ اول.

- قنبرپورعالم، ضرغام؛ فرحبخش، کیومرث؛ اسمعیلی، معصومه (۱۳۹۱)، بررسی و مقایسه روابط خانوادگی دانش‌آموزان موفق و ناموفق در تحصیل. فصلنامه خانواده پژوهی، شماره ۳۱: ۳۳۷-۳۵۳.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۸)، جامعه‌شناسی، ترجمه: حسن چاوشیان، نشر نی، چاپ چهاردهم.
- محمدی، اکبر (۱۳۷۴)، تأثیر قشربندی اجتماعی بر روی فرصت‌های آموزشی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- نریمانی، محمد؛ میری، میر نادر (۱۳۹۶). عوامل مؤثر بر موفقیت تحصیلی رتبه‌های برتر کنکور: نظریه زمینه‌ای، پژوهش در نظام‌های آموزشی، شماره ۳۸: ۵۹-۷۹.
- هوارث، د؛ فیشر، پ (۲۰۰۸)، ازدواج موفق و خانواده سالم. ترجمه به پژوه (۱۳۸۸)، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- یاراحمدی، یحیی؛ مرادی، امید (۱۳۹۱)، بررسی رابطه بین ادراک حمایت از سوی خانواده، معلمان و دوستان و باورهای خودکارآمدی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. نخستین همایش ملی شخصیت و زندگی نوین.
- Anderson, Elizabeth (2007), *Fair opportunity in Education: A Democratic Equality - Perspective*, Ethics 117, 595-622
- Ballantine, Jean H. (1989), *The sociology of education, prentice hallice -publication*. Nwejersy.
- Bourdieu, Pierre & Jean-Claude Passeron (1990), *Translatet by Richard Nice, Reproduction in education, society and culture- (THEORY, Culture & Society)*, London
- Dennis, J. M. Phinney, J. S., & Chuateco, L. I. (2005). *The role of motivation, parental support, and peer support in the academic success of ethnic minority first-generation college students*. Journal of College Student Development, 46(3), 223-236.
- Elman, Benjamin A (1991), *Political, social, and culture reproduction via civil service examination in late imperial china*, The journal of asian studies, Vol. 50, No. 1, PP7-28
- Horn, D (2011). *Essays On Educational Institutions And Inequality Of Opportunity*, A Doctoral Dissertation, Submitted to

the Central European University in partial fulfillment of the requirements for the Degree of Doctor of Philosophy.

- Iglesia, G., Stover, J. B., & Liporace, M. F. (2014). *Perceived social support and academic achievement in Argentinean college students*. *Europe's Journal of Psychology*, 10(4), 637-649.
- Jaeger, Mads Meier (2010), *Does culture capital really affect academic achievement? New evidence from combined sibling and panel data*, Centre for Strategic Research in Education Working Paper No. 0001
- Turkum, A. S., Kiltas, A., Biyik, N., & Yemenici, B. (2005). *The investigation of university student perceptions about family functioning*. *International Review*, 5(1), 253-262.

